

ادراک و تجربه زیسته زوج‌ها از علل بروز جدایی عاطفی: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی

فاطمه صباغی^۱، کیوان صالحی^۲، علی مقدم‌زاده^۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

هدف: پژوهش حاضر با هدف تحلیل ادراک و تجربه زیسته زوج‌ها در خصوص علل بروز جدایی عاطفی انجام شده است. **روش:** این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بود که بر پایه رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. داده‌ها، با استفاده از ۲۰ مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با زنان و مردان متأهل یا دارای تجربه تأهل در دو شهر قم و تهران جمع‌آوری و به روش گدگذاری نظری، تحلیل شدند. مشارکت‌کنندگان بر مبنای تجربیاتشان در زندگی مشترک، ضمن توصیف علل شکل‌گیری و تشدید جدایی عاطفی زوج‌ها، راه‌های پیشگیری و بهبود آن را پیشنهاد دادند. **یافته‌ها:** تحلیل کیفی تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، به شناسایی ۱۰ مقوله فرعی و در نهایت دسته‌بندی آن‌ها در قالب ۴ مقوله اصلی (زمینه‌های اصلی) منتج گردید. چهار زمینه عمده در شکل‌گیری و تشدید پدیده طلاق عاطفی شامل «چالش‌های روانی و اخلاقی»، «چالش‌های عاطفی و جنسی»، «چالش‌های اقتصادی»، «چالش‌های فناوری ارتباطات» بود. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش تنوع و تعدد علل زمینه‌ساز جدایی عاطفی را نشان می‌دهد و بیانگر این است که این پدیده از علل مختلف و در هم تنیده‌ای تأثیر می‌پذیرد و به منظور کاهش پیامدهای ناگوار آن و زمینه‌سازی برای

۱. دانش‌آموخته کارشناسی دانشگاه تهران؛ دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، ایران.

۲. (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی سنجش آموزش، استادیار دانشگاه تهران؛ عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی (keyvansalehi@ut.ac.ir).

۳. دکتری تخصصی سنجش و اندازه‌گیری، استادیار دانشگاه تهران عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

بهبود وضعیت موجود، ارتقای مهارت‌های زوج‌ها در مواردی نظیر هوش هیجانی، ارتباطات اثربخش و تقویت مهارت‌های حل مسئله ضرورت دارد.
واژه‌های کلیدی: طلاق عاطفی، رابطه زناشویی، تجربه زیسته

مقدمه

از منظر جامعه‌شناسی و تاریخ، اولین نهاد بشری و ابتدایی‌ترین و کوچکترین جامعه، خانواده است (جهانی، ۱۳۹۱: ۸۱). روابط مناسب در جامعه براساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (اعزاز، ۱۳۸۷: ۱۲؛ نقل از باستانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۳).

خانواده به عنوان اولین آموزشگاه بشری براساس نوع رابطه با فرزندان، بیشترین تأثیر را اولاً بر چگونگی شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی فرزندان دارد؛ ثانیاً به طور غیرمستقیم جامعه را متأثر از نوع روابط و فرهنگ خود می‌کند. لذا توجه به سلامت و چگونگی فضای درون خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار خواهد بود (جهانی، ۱۳۹۱: ۸۲).

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی، طلاق است؛ کارشناسان براین باورند که فرآیند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می‌کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، جدایی یا بی‌میلی یکی از زوج‌ها به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوج‌ها از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی، طلاق قانونی (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱؛ نقل از باستانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۳). طلاق عاطفی نوعی نابهنجاری در نظام خانواده است که اگرچه به جدایی زوج‌ها منجر نمی‌شود و بنا به دلایلی زن و شوهر همچنان در یک محیط و در زیر یک سقف در کنار هم به زندگی مشغولند، اما زندگی آنها به ازدواجی پوچ تبدیل شده است که فاقد عشق، مصاحبت و

دوستی است (استیل و کید، ۱۳۸۸؛ نقل از یزدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

طلاق عاطفی بدین معنی است که زن و شوهری سال‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند بدون اینکه کوچکترین علاقه‌ای به یکدیگر داشته باشند. زن به کار مشغول باشد و هزینه شخصی خود را از شوهرش دریافت نکند و مرد نیز توجه زیادی به امور مالی زندگی مشترک نداشته باشد و یا اینکه روابط اجتماعی و خانوادگی بین آنها وجود نداشته باشد یعنی هریک جداگانه دوستان و بستگان خود را ببینند اما همچنان به زندگی فیزیکی در کنار یکدیگر ادامه دهند. طبیعی است که این گونه زندگی کردن هم برای زن و هم برای مرد و نیز برای فرزندان محیط مناسبی را فراهم نخواهد کرد، یعنی قاعدتاً چنین زندگی‌ای فاقد نشاط، شادی و گفتگو بین اعضاء، پویایی و تحرک خواهد بود، در نتیجه در نبود نشاط و شادی در زندگی، افراد به موفقیت واقعی و چشمگیری که توانش را دارند دست نخواهند یافت (منادی، ۱۳۸۵؛ نقل از برین، ۱۳۹۱: ۲). بوهانان (۱۹۷۰؛ نقل از اولسن و دفراین، ۲۰۰۶: ۴۴۹؛ نقل از باستانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲) طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. اگرچه به نظر می‌رسد ازدواج، شکل و محتوایی از صمیمیت دارد، اما طلاق عاطفی ممکن است در رابطه‌ای به وجود آید که در آن تفاوت‌های آشکار کمی وجود دارد و همسران به راحتی در کنار هم زندگی می‌کنند، اما در احساسات شخصی یکدیگر شریک نیستند. از سوی دیگر، طلاق عاطفی رابطه‌ای را توصیف می‌کند که در آن همسران در محیط‌های اجتماعی خوب و صمیمی به نظر می‌رسند، ولی در خلوت قادر به تحمل یکدیگر نیستند (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵؛ نقل از باستانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳).

پژوهش پروین و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی» نشان داد که متغیرهای «سرمایه اجتماعی درون

1. Steel, L. Kidd, W.

خانواده، ساختار قدرت در خانواده، سطح سلامت جسمانی - روانی زوج‌ها، سطح دینداری زوج‌ها، میزان نظم درون خانواده و میزان «همسان همسری» رابطه معناداری با میزان طلاق عاطفی دارند. مطالعه ایمانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود آمادگی نداشتن برای ازدواج، ازدواج اجباری، اعتیاد به سیگار و سایر مواد مخدر و عادت‌های ناپسند، ازدواج مصلحتی، بچه دار نشدن زوج‌ها را به عنوان علل طلاق عاطفی بیان می‌کند. باستانی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی علل طلاق در یک مطالعه کیفی دریافتند که ۱۱ مقوله شامل: عدم تأمین نیاز عاطفی، بی‌توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، عدم همدلی و همراهی مرد با زن، انتخاب نادرست همسر، رفتارهای خشونت آمیز مرد، عدم گذران وقت با یکدیگر، نارضایتی جنسی، بی‌اعتمادی، عدم تعادل روحی مرد و عدم احساس مسئولیت مرد از جمله علل طلاق عاطفی می‌باشند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹). آزادی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی عوامل اجتماعی زمینه ساز طلاق عاطفی به تأثیر پوشش و ظاهر ناآراسته همسر، عدم رضایت جنسی و رسیدگی بیش از حد همسر به فرزند در زمینه سازی بروز طلاق عاطفی اشاره کردند (آزادی و همکاران، ۱۳۸۹). نتایج مطالعه یزدانی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی»، نشان داد که میان طلاق عاطفی با کیفیت احساس فردی، کیفیت روابط خانوادگی، کیفیت روابط اجتماعی، کیفیت سلامت، کیفیت شرایط محیطی، و کیفیت شرایط اقتصادی، همبستگی معناداری وجود دارد.

همانگونه که مشاهده می‌شود پژوهش‌های بسیار معدودی به واکاوی علل جدایی عاطفی زوج‌ها پرداخته‌اند و اندک پژوهش‌های انجام شده نیز عمدتاً با روش کمی انجام پذیرفته است. بنابراین با توجه به نقش بسزای کیفیت روابط خانوادگی بر ثبات و استحکام جامعه، ضرورت و اهمیت توجه به آسیب‌هایی از جمله جدایی عاطفی که روابط سالم خانوادگی و به تبع آن روابط و مناسبات جامعه را تهدید می‌کنند، مشخص می‌شود. مطالعه عمیق ابعاد و عوامل زمینه ساز در بروز جدایی عاطفی، و بازنمایی علل آن، بستر مناسبی را برای عمق بخشیدن به شناخت از این پدیده و در نتیجه کمک به

زوج‌ها جوان برای پیشگیری و بهبود آن فراهم می‌نماید. سرعت شگرف تغییر و دگرگونی در عوامل موثر بر شکل دهی و تشدید این پدیده در جامعه، توجه ناکافی به آن در مطالعه‌های قبلی و به ویژه نبود مطالعه‌های کیفی مناسب و کافی، لزوم بهره‌گیری از پژوهش‌هایی ژرف‌گرانه را دو چندان می‌کند. با توجه به این مهم، این پژوهش می‌کوشد تا به این سؤال که «عوامل موثر در بروز و تشدید جدایی عاطفی میان زوج‌ها کدامند؟»، پاسخ دهد.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه کیفی و با روش پدیدارشناسی^۱ و با اتخاذ رویکرد اکتشافی برای کشف ادراک زوج‌ها از علل جدایی عاطفی انجام شد. پژوهش‌های کیفی از طریق توصیف تجربی و تأکید بر محتوا به افزایش معلومات ما در مورد پدیده‌های اجتماعی کمک می‌کنند. این پژوهش به دلیل ماهیت اکتشافی آن، فاقد چارچوب نظری و فرضیه‌های مبتنی بر آن است (محمدپور، ۱۳۹۰؛ نقل از صادقی فسایی، ۱۳۹۱) و برای گردآوری داده‌ها از فن مصاحبه عمیق^۲ نیمه ساختار یافته استفاده شد. به منظور انتخاب مشارکت‌کنندگان که به شیوه هدفمند انجام پذیرفت از سه ملاک شامل: الف) مردان و زنان متأهل یا دارای تجربه تأهل که سردی عاطفی در روابطشان را تایید کردند، ب) زوج‌ها ساکن شهر قم یا تهران؛ و ج) زوج‌هایی که دست کم دارای یکسال تجربه زندگی مشترک بودند، استفاده شد. در روش‌های کیفی، حجم نمونه مانند روش‌های کمی از پیش تعیین شده نیست و به روند پژوهش و مقولات در حال تکوین بستگی دارد. روش نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی از نوع هدفمند است و حجم آن نیز به سطح اشباع داده‌ها بستگی دارد (صالحی، بازگان، صادقی و شکوهی یکتا، ۱۳۹۴). در این پژوهش پس از انجام ۲۰ مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با زنان و مردان متأهل یا دارای

1. Phenomenology.

2. In – depth interview.

تجربه تأهل، اشباع نظری داده‌ها حاصل شد. بررسی ویژگی‌های نمونه در پژوهش و ذکر جزئیات آن، می‌تواند به مخاطبان در درک و برقراری ارتباط نزدیک‌تر با یافته‌ها و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری باورپذیری در ایشان کمک نماید (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). در جدول شماره ۱، ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان آورده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان

ویژگی‌ها	سطوح	تعداد	درصد	ویژگی‌ها	سطوح	تعداد	درصد
گروه سنی	۳۰-۲۰	۹	۴۵	وضعیت اشتغال	شاغل	۱۲	۶۰
	۴۰-۳۰	۶	۳۰		غیرشاغل	۸	۴۰
	۵۰-۴۰	۵	۲۵	مدت تأهل	۵-۱	۷	۳۵
جنسیت	زن	۱۸	۹۰		۱۰-۵	۷	۳۵
	مرد	۲	۱۰		۱۵-۱۰	۲	۱۰
تحصیلات	زیردیپلم	۱	۵		تعداد فرزند	۲۰-۱۵	۱
	دیپلم	۴	۲۰	بالای ۲۰		۳	۱۵
	کارشناسی	۱۲	۶۰	با فرزند	۱۴	۷۰	
	کارشناسی ارشد	۳	۱۵	بدون فرزند	۶	۳۰	
جمع	۲۰	۱۰۰	جمع	۲۰	۱۰۰		

یافته‌ها

نتایج بیست مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با افراد متأهل یا دارای تجربه تأهل در ۲ شهر قم و تهران، نشان می‌دهد که عوامل قابل توجهی در زمینه‌سازی و ایجاد طلاق عاطفی بین زوج‌ها نقش دارند. این عوامل نیازمند بازشناسی، زمینه‌سازی برای پیشگیری و در صورت وجود کنترل و بهبود است. درک و تفسیر سوژه‌ها از این عوامل متفاوت است که در ادامه بطور مبسوط‌تری به آن اشاره خواهد شد. تحلیل عمیق تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، به شناسایی ۱۰ مقوله فرعی و در نهایت دسته‌بندی آن‌ها در قالب ۴ مقوله اصلی (زمینه‌های اصلی) انجامید. یافته‌ها حاکی از آن است که چهار

زمینه عمده در شکل‌گیری و تشدید پدیده طلاق عاطفی شامل «چالش‌های روانی و اخلاقی»، «چالش‌های عاطفی و جنسی»، «چالش‌های اقتصادی»، «چالش‌های فناوری ارتباطات» است. در ادامه هریک از زمینه‌های شناسایی شده در بروز و تشدید طلاق عاطفی، از منظر مشارکت‌کنندگان و با استفاده از نقل‌قول‌های آن‌ها، مورد بازنمایی قرار گرفته است.

مقاله اصلی اول: زمینه‌های ناشی از چالش‌های روانی و اخلاقی

چالش‌های روانی اخلاقی در این پژوهش به عدم احترام و درک متقابل، عدم صداقت و اعتماد و مشاجره بین زوج‌ها اشاره دارد.

زیرمقاله ۱-۱. عدم احترام و درک متقابل

یکی از عوامل مهم برای همزیستی مسالمت‌آمیز و آرامش در زندگی، حفظ حرمت یکدیگر است (حسین‌زاده، ۱۳۸۹). بنابراین احترام متقابل، زمینه‌ای برای یک زندگی اجتماعی ایده‌آل بطور عام و یک زندگی مشترک ایده‌آل بطور خاص می‌باشد. با توجه به تفاوت‌های موجود میان زن و مرد، شناخت ویژگی‌ها و روحیات و خواسته‌های همسر و عمل براساس آن، از مصادیق احترام متقابل به شمار می‌آید. بطور مثال دنیای مردان استدلالی است و دنیای زنان احساسی و عاطفی وزن بیشتری از نیازهای خود را احساسی و عاطفی می‌بیند. راز صمیمیت میان آنان این است که همدیگر را درک کنند و این تفاوت در دیدگاه را بپذیرند. تمامی سوژه‌ها در سوال اول مصاحبه، مبنی بر ذکر شاخص‌های یک زندگی ایده‌آل «احترام و درک متقابل» را ذکر کرده‌اند. حال اگر این شاخص مهم زندگی مشترک ایده‌آل کمرنگ شود، زمینه مساعدی برای نارضایتی طرف مقابل و فاصله گرفتن از همسرش ایجاد می‌کند و در صورت ادامه این وضعیت و عدم توجه کافی به نشانه‌های آن، این فاصله به جدایی عاطفی میان آنها مبدل می‌شود.

سپیده ۲۰ ساله می‌گوید: همسرم به تفاوت نظراتمان احترام نمی‌گذاشت و همیشه مرا با اجبار تابع نظرات خودش می‌کرد مثل نرفتن به دانشگاه یا فقط تحصیل در رشته‌ای که او دوست دارد. بارها در مقابل خود و خانواده‌ام (مخصوصاً پدرم) ایستاد و احترامی برایمان قایل نبود.

اکرم ۴۸ ساله می‌گوید: همسرم علی رغم اینکه بیکار است و تمام بار اقتصادی خانواده روی دوش من است با این حال همیشه توقع دارد در کنار کار کردن برای امرار معاش، به تمام امور منزل نهایت رسیدگی را داشته باشم. او واقعا بی‌خیال است و مراد رک نمی‌کند.

زیرمقوله ۱-۲. عدم صداقت و اعتماد

شکل‌گیری روابط صمیمانه در پرتو صداقت امکان‌پذیر است. وقتی صداقت بر فضای خانواده پرتو افکن شود هم‌دلی و صمیمیت بر روابط اعضای خانواده حاکم خواهد شد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸). حال زمانی که یکی از زوج‌ها راه عدم صداقت را پیش‌گیرند اندک‌اندک بذریع‌اعتمادی را در دل همسرش می‌افکند و این بی‌اعتمادی صمیمیت را کم‌رنگ می‌کند و باعث فاصله‌گرفتن همسران از هم می‌شود.

همان‌طور که سمیه ۲۵ ساله می‌گوید: همسرم چندین بار کارهایش را از من مخفی کرد و با من صادق نبود و وقتی پنهان کاری‌هایش مشخص می‌شد بجای شرمندگی توجیه می‌کرد و این مرا به شدت بی‌اعتماد و دلزده کرده است.

البته گاهی اوقات خود فرد باعث می‌شود تا همسرش با او صادق نباشد و این خود فرد است که زمینه فاصله‌روانی و عاطفی از همسرش را ایجاد کرده است نه همسر پنهان‌کارش.

محمد ۳۷ ساله می‌گوید: من خیلی از کارهایم حتی گاهی خریدهایم را از همسرم مخفی می‌کنم و به او نمی‌گویم چون از واکنش غیرمنطقی‌اش می‌ترسم.

زیرمقاله ۱-۳. مشاجره

همه مردم خانواده را نهادی پراز صمیمیت، دوستی و امن که آسایش اعضا را تأمین می‌کند، تصور می‌کنند. نهادی که ما را قادر می‌سازد از ناملایمات زندگی بگذریم (سیف زاده و برزبان، ۱۳۹۲). خانه غالباً به عنوان مکانی برای امنیت و خوشبختی تصور می‌شود اما گاهی در این مکان خبری از امنیت و خوشبختی نیست. خانواده سمبل آرامش و فضای امن و آرام است. سوژه‌های مورد مطالعه این پژوهش در نخستین سوال مصاحبه مبنی بر ذکر شاخصه‌های یک زندگی ایده‌آل، آرامش روحی و روانی را به عنوان یکی از شاخصه‌ها ذکر نمودند. بنابراین هرچه این آرامش روحی و روانی افراد را تهدید کند، یک زندگی مشترک ایده‌آل را تهدید نموده است. یکی از مصادیق بارز برهم خوردن آرامش روحی و روانی زوج‌ها، بروز مشاجره‌ها و تعارض‌ها میان زوج‌ها (لفظی یا فیزیکی) است. در این مطالعه تعداد کمی از افراد معتقد بودند زندگی بدون تعارض ممکن نیست و تعارض‌ها در حدی نیستند که بتوانند اثری بر جدایی عاطفی میان زوج‌ها بگذارند. اما اکثریت افراد معتقد بودند درگیری‌ها و تعارض‌های میان زوج‌ها اثرات بسیار نامطلوبی بر کیفیت روابط میان آنها می‌گذارد.

زینب ۲۱ ساله می‌گوید: دعوا بلای خانمان سوزه و سرمشء همه مشکلاته. باران ۲۲ ساله می‌گوید: تعارض‌ها و کشمکش‌های میان زوج‌ها مانند کوبیدن میخی بر دیوار است ممکن است حل شود اما آثارش در دل و ذهن زوج‌ها خصوصاً زن ماندگار است.

متأسفانه هنوز مردانی وجود دارند که زناشان را تنبیه بدنی می‌کنند و آثار منفی تنبیه بدنی آنقدر زیاد است که روابط را تا نقطه جدایی نیز می‌کشاند.

مثل زهرا ۲۳ ساله که می‌گوید: شوهرم در کوچکترین دعواها آنقدر مرا می‌زد و بعد در خانه حبس می‌کرد گاهی حتی نان هم برای خوردن نداشتم. یکبار بعد از سه هفته حبس از خانه فرار کردم و به خانه پدرم پناه آوردم و بعد از آن جدا شدم.

مقاله اصلی دوم: زمینه‌های ناشی از چالش‌های عاطفی و جنسی

چالش‌های عاطفی و جنسی در این پژوهش شامل عدم ابراز صحیح علاقه، عدم بیان شفاف خواسته‌ها و احساسات منفی (ناراحتی‌ها) و اختلالات بوجود آمده در روابط جنسی می‌باشد.

زیرمقاله ۱-۲. عدم ابراز (صحیح) علاقه

انگیزه انسان برای ازدواج ضمن رفع تنهایی و نیاز به استقلال، برآورده شدن نیازهای عاطفی، جنسی و بقای نسل است. همچنین دوام ازدواج مستلزم عشق و احساسات مثبت زوج‌ها نسبت به یکدیگر است (حیدری و دیگران، ۱۳۸۴). علاقه به همسریکی از پایه‌های زندگی مشترک موفق است که لازمه‌ی این موفقیت کسب مهارت‌های ابراز آن و نوع ابراز آن به همسر است. ابراز علاقه و دوستی به همسریکی از مسائل مهمی است که در سعادت خانواده می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد (زحمتکش، ۱۳۸۲). بنابراین بین توانایی ما برای پیوند احساسی با دیگران و تبادل محبت در کودکی رابطه مستقیمی وجود دارد.

همانگونه که فاطمه ۲۱ ساله می‌گوید: برخی زوجها هم فکرمی‌کنند عدم ابراز علاقه حیاست در صورتی که غلط‌ترین چیز در زندگی همین است. همین است که نسل ما محبت کردن بلد نیست چون محبت پدر به مادر و بالعکس را ندیده. من به شخصه محبت کردن رو در رورا بلد نیستم.

افراد بطور کلی نیاز به آموختن نوع بیان احساسات و مهارت‌های ارتباطی با همسرا قبل از ازدواج دارند که متأسفانه از این آموزش غفلت شده است. یکی از مسائل مهم دیگر در زمینه مسائل عاطفی و ابراز علاقه تفاوت زن و مرد است.

همانگونه که باران ۲۲ ساله می‌گوید: زن نیاز دارد مدام بشنود که دوست داشتنی است اما اکثریت مردان فکرمی‌کنند اگر یکبار دوست داشتن را ابراز کنند برای تمام زندگیشان کافیست.

همچنین درونگرا یا برونگرا بودن فرد نیز در بیان احساساتش دخیل می‌باشد. افراد درونگرا خیلی سخت می‌توانند احساساتشان را بروز دهند. زوج‌ها مورد مطالعه نقش ابراز علاقه را همپای روابط جنسی مهم دانسته‌اند و اختلال در این زمینه را یکی از علل جدایی عاطفی میان زوج‌ها دانسته‌اند. به گفته‌ی آن‌ها نوع صحیح ابراز علاقه موجب تقویت روابط می‌شود (و بالعکس). گویه‌ها ۲ نکته اساسی را در رابطه با ابراز علاقه بیان می‌کنند:

الف) زوج‌ها باید ادبیات همدیگر را بیاموزند و بنا به ادبیات طرف مقابل به ابراز احساسات کنند.

ب) در جامعه ما مردها آموخته‌اند فقط هنگام رابطه ابراز علاقه کنند در صورتی که اگر در طول روز و در مواقعی غیر منتظره این کار را انجام دهند، روی کیفیت رابطه تأثیر مثبت زیادی دارد.

بطور کلی براساس پژوهش زحمتکش می‌توان ذکر کرد که شیوه‌های ابراز محبت بین زن و مرد متفاوت است و هرچه تعداد فرزندان افزایش یابد افراد محبت کمتری به یکدیگر ابراز می‌نمایند و همچنین با افزایش سال‌های ازدواج میزان ابراز محبت همسران کاهش می‌یابد. به نظر پژوهشگر این مطالعه زوج‌ها باید در ابتدای ازدواج از این حقایق آگاه و راه درست ابراز احساسات صحیح و مداوم را بیاموزند.

زیرمقوله ۲-۲. عدم بیان شفاف خواسته‌ها و احساسات منفی (ناراحتی‌ها)

تمامی سوژه‌های مورد مطالعه این پژوهش به این واقعیت اذعان داشتند که زوج‌ها باید خواسته‌های خود را به صورت منطقی و در کمال احترام به هم بیان کنند تا خواسته‌شان برآورده یا ناراحتی پیش آمده از بین برود. گویه‌ها تأکید داشتند که همسران نمی‌توانند تمام آنچه در ذهن و قلب ماست بخوانند و طبق آن عمل کنند بلکه نیاز است ما آن‌ها را بطور شفاف از خواسته‌هایمان مطلع کنیم.

همسران (بیشتر زنان) به دلیل خجالتی بودن یا فداکاری بیش از حد در قبال همسران هیچ چیز شکایت نمی‌کنند و حتی گاهی نظرات شخصی‌شان را پنهان می‌کنند و به شرایط موجود راضی می‌شوند. گاهی نیز همسران (بیشتر زنان) توقع دارند شوهرشان تمام آنچه را او می‌خواهد از ذهن و قلبش بخواند و برای او فراهم کند و یا در صورت ناراحتی و دلخوری شوهرش ناراحتی‌اش را از رفتارش بفهمد و از او دلجویی کند در صورتی که مردان توانایی و قدرت چنین کارهایی را ندارند و بنابراین این مطلع نشدن همسران خواسته‌های زن احساسات بدی را در زن ایجاد می‌کند. این احساسات ناخوشایند جمع شده یا بصورت ناگهانی بروز پیدا می‌کند و باعث شوکه شدن و ناراحتی طرف مقابل می‌شود و یا اینکه زن آنقدر این احساسات ناخوشایند را در دلش می‌ریزد که اندک اندک این ناراحتی‌ها او را نسبت به شوهرش سرد می‌کند و سبب ایجاد جدایی عاطفی میان آن‌ها می‌شود.

باران ۲۲ ساله می‌گوید: هیچوقت نظر خودم را بخاطر فداکاری‌هایم بیان نمی‌کردم و همیشه با همسر هم نظر می‌شدم. این هم نظر شدن آنقدر رفته رفته احساسات بدی در من بجای گذاشت که من دیگر نتوانستم به او علاقه مند شوم.

فاطمه ۲۱ ساله: تمام ناراحتی‌ها را در خودم می‌ریختم چون همسر اهل توجیه بود و من هم شخصی درونگرا. من دوست داشتم او خودش بفهمد مثلاً ناراحتی من اما او نه تنها نمی‌فهمید، بلکه اشتباهش را توجیه می‌کرد. این کارهایش مرا از او دلزده کرد.

زیرمقاله ۲-۳. اختلالات در روابط جنسی

تمایل جنسی از مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان است. شخصیت فردی افراد معمولی عمدتاً تحت تأثیر همین گزینه شکل می‌گیرد و انسان‌های متعالی از طریق هدایت کردن همین کشش است که تعالی می‌یابند (محبی، ۱۳۹۰). روابط زناشویی به عنوان بخشی از یک رابطه جسمی-عاطفی نقش به‌سزایی در تحکیم پیوندهای خانوادگی ایفا می‌کنند

(نوحی و دیگران، ۱۳۸۶). امروزه فناوری‌های جدید رسانه‌ای تنوع طلبی جنسی را رواج می‌دهند که به این خاطر آستانه رضایت مندی جنسی افراد افزایش یافته است و پدیده نارضایتی جنسی در روابط زناشویی شکل می‌گیرد (محبی، ۱۳۹۰).

در این میان و براساس مطالب ذکر شده آگاهی زوج‌ها از نقش صحیح خود در این رابطه و آموزش صحیح روابط جنسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با وضعیت موجود کشورمان و عدم سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در این رابطه و نبود برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای پیرامون آموزش روابط صحیح جنسی به زوج‌ها، احتمال بسیار زیادی وجود دارد که زوج‌ها در زمینه روابط جنسی‌شان با اختلالاتی روبرو شوند. همچنین برخی از زوج‌ها قبل از ازدواج دچار مشکلاتی از جمله سرد مزاجی می‌باشند که باید بدنبال درمان باشند.

مینا ۲۱ ساله می‌گوید: از کل مقوله ازدواج با مسأله روابط جنسی مشکل زیادی دارم و اصولاً آدم سرد مزاجی هستم و این روابط مرا تا مرز تنفر از همسرم کشانده است.

محمد ۳۷ ساله می‌گوید: همسرم بدلیل سردمزاجی و... اصلاً در روابط با من همکاری نمی‌کند و این مرا بشدت نسبت به او بی‌رغبت کرده است.

برخی از زوج‌ها دیگر در زمان و شرایط نامناسب اقدام به روابط جنسی می‌کنند که این خود به روابط جنسی بعدی و روابط عاطفی زوج‌ها لطمه زیادی می‌زند.

باران ۲۲ ساله می‌گوید: دقیقاً دو روز بعد از محرم شدن مجبور به این رابطه اجباری با همسرم شدم. مشاورم می‌گفت اجباری و زودرس بودن این روابط علت اصلی تنفر من از همسرم بوده است.

همانگونه که گویه‌های موجود سوژه‌ها تأکید دارند یکی از اهداف اصلی ازدواج پاسخگویی به نیازهای جنسی خصوصاً در مردان است حال اگر پاسخگویی به این نیاز با موانع و اختلالاتی روبرو شود نیاز زوج‌ها برطرف نمی‌شود و یکی از علل اساسی بوجود

آورنده علاقه و انس و الفت بین زوجها از بین می‌رود. بدنبال کم‌رنگ شدن این عنصر اساسی زندگی مشترک کم‌کم روابط میان زوجها به سردی می‌گراید، و حتی در صورت عدم رفع مشکل، این جدایی عاطفی منجر به جدایی رسمی می‌شود.

مقوله اصلی سوم: زمینه‌های ناشی از چالش‌های اقتصادی

چالش‌های اقتصادی در این پژوهش شامل فرسودگی شغلی، عدم امنیت اقتصادی، افزایش انتظارات و توقعات مادی است می‌باشد.

زیرمقوله ۱-۳. فرسودگی شغلی

منظور از فرسودگی شغلی در این پژوهش حجم کار زیاد زوجها و یا زوج و فشارهای روانی ناشی از آن می‌باشد. طبق پژوهش (اقلیما و گلی زاده، ۱۳۸۴) از جمله آثاری که فرسودگی شغلی به عنوان یک سرایت‌کننده منفی دارد سرایت و تأثیر آن در زندگی خانوادگی است. امروزه به دو دلیل سطح فرسودگی شغلی افراد افزایش یافته و آن دلایل عبارتند از:

زیرمقوله ۲-۳. عدم امنیت اقتصادی

سوژه‌های مورد مطالعه در پاسخ به نخستین سوال مصاحبه امنیت، اقتصادی را یکی از شاخصه‌های زندگی مشترک ایده آل عنوان کردند. حال اگر این شاخصه از بین برود و وجود نداشته باشد خود می‌تواند دلیل نارضایتی زوجها از زندگیشان شود. البته بنا بر گویه‌های موجود زوجها در صورت داشتن روابط مستحکم از سخت‌ترین شرایط اقتصادی نیز می‌توانند در کنار هم عبور کنند اما بالاخره عدم امنیت اقتصادی یک تهدید برای یک زندگی بشمار می‌رود. زوجها برای رسیدن به وضعیت امنیت اقتصادی، حجم کار خودشان را افزایش می‌دهند که این افزایش حجم کار منجر به فرسودگی شغلی خواهد شد.

زیرمقاله ۳-۳. افزایش توقعات و انتظارات مادی

افزایش توقعات و انتظارات غیرواقعی از زندگی مشترک و همسر که خود بر روابط زوج‌ها تأثیرگذار است و زمینه‌ی بسیاری از ناسازگاری‌ها و جدایی‌هاست به مشکل عدم امنیت اقتصادی و درآمد پایین خانواده‌ها در جامعه امروزی کمک می‌کند تا به فرسودگی شغلی منجر شود.

این مشکل افزایش توقعات و انتظارات مادی ناشی از مقایسه زندگی خود با زندگی دیگران و چشم و هم چشمی است که مسلماً با وضعیت اقتصادی موجود، زوج‌ها مجبور به افزایش حجم کار برای برآوردن نیازهای کاذبشان هستند که این نیز منجر به فرسودگی شغلی خواهد شد.

اکثر افراد مورد مطالعه به این واقعیت اذعان داشتند که فرسودگی شغلی تأثیر منفی روی کیفیت روابط زوج‌ها می‌گذارد و این عامل، سبب ایجاد و همچنین مداخله در جدایی عاطفی زوج‌ها می‌باشد. امروزه در کشور ما به علت درآمد پایین و وجود تورم در جامعه افراد وقت بیشتری صرف شغلشان میکنند تا درآمد بیشتری کسب کنند و در برخی موارد زوج و زوجه هر دو برای امرار معاش مشغول به کار می‌شوند. گویه‌های موجود حاکی از آن است که زمانی که زوج‌ها یا زوج بیشتر زمانشان صرف شغلشان شود خستگی ناشی از این حجم بالای کار موجب می‌شود آنها حوصله گذراندن زمان با همدیگر، صحبت کردن با همدیگر، محبت کردن، تفریحات و... را نداشته و کم کم فاصله عاطفی میانشان ایجاد می‌شود و روابطشان در صورت عدم کنترل فرسودگی شغلی، روز به روز سردتر می‌شود.

محمد ۳۷ ساله: به علت مقروض بودنم روزانه حدود ۱۱ ساعت مشغول به کار هستم و وقتی به خانه می‌آیم آنقدر خسته‌ام که حوصله رسیدگی به اوضاع و احوال زن و بچه‌ام را ندارم.

باران ۲۲ ساله: من و همسرم هر دو دانشجو بودیم. آنقدر فشار درس‌هایم در سال اول

ازدواج زیاد بود که اصلا حوصله همسرمان نداشتم به همین دلیل مرتبا بدنبال فاصله گرفتن از او بودم که این مورد هم در عدم علاقه من به همسر من بی تأثیر نبود. مینا ۲۱ ساله: شوهرم مدام سرش تو کامپیوتره و اصلا توجهی به من ندارد وقتی علت را می پرسیم می گوید می خواهم پولدار شویم.

مقاله اصلی چهارم: زمینه‌های ناشی از چالش‌های فناوری ارتباطات

این قسمت شامل معرفی فناوری‌های نوین ارتباطی و بیان تأثیر آن در زندگی مشترک می‌باشد. همچنین در این قسمت به بیان دستاوردهای فناوری‌های نوین ارتباطی برای از هم گسیختن زندگی مشترک زوجها از جمله؛ آرم‌انزدگی، مقایسه و روابط دوستی و جنسی خارج از خانواده (خیانت) و تأثیر آن‌ها بر کیفیت روابط زوجها پرداخته می‌شود.

زیرمقاله ۱-۴. فناوری‌های نوین ارتباطی

با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی زندگی فردی و اجتماعی افراد با تغییرات و چالش‌های فراوانی مواجه شده است. زندگی مشترک افراد و نهاد خانواده از این قاعده مستثنی نیست. طبق پژوهش‌های قبلی انجام شده از جمله پژوهش (گنجی و دیگران، ۱۳۹۴) میان اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی و از هم گسیختگی خانواده (خواه به لحاظ عاطفی و خواه رسمی) رابطه وجود دارد. منظور از فناوری‌های نوین ارتباطی در این پژوهش، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره می‌باشد.

زیرمقاله ۲-۴. شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی جدید که بطور کاملاً رایگان در اختیار مردم قرار داده می‌شود، بطور قطع بر اساس اهدافی ساخته شده‌اند که کاربران این شبکه‌ها از این اهداف مطلع نیستند. حضور بی‌قاعده ماهواره و اینترنت در خانه‌ها ذائقه جنسی را افزایش داده است و از جذابیت زن و شوهر برای یکدیگر کاسته است (قلی زاده و دیگران، ۱۳۹۳). استفاده

از شبکه‌های اجتماعی دربردارنده آسیب‌هایی برای برخی از زوج‌ها مورد مطالعه این پژوهش بوده است از جمله اینکه؛

مینا ۲۱ ساله می‌گوید: همسرم در تلگرام با خانمی آشنا شده است و با او صحبت می‌کند و پنهانی رابطه دارد.

فاطمه ۲۱ ساله می‌گوید: همسرم مرتباً در این شبکه‌های اجتماعی پرسه می‌زند و حواسش اصلاً به من و زندگی‌مان نیست.

زیرمقوله ۳-۴. ماهواره

ماهواره که چند سالی است روند رو به رشدی در نفوذ به خانه‌هایمان داشته، یکی از عوامل مهم از هم گسیختگی بنیان خانواده شناخته شده است. شبکه‌های متنوع و متفاوت ماهواره‌ای با هدف براندازی نهاد خانواده مشغول به فعالیت هستند و زوج‌ها با دیدن برنامه‌های این شبکه‌ها از جمله سریال‌های جم‌تی وی و... تأثیرات ناخودآگاهی را می‌پذیرند که موجب تضعیف روابط عاطفی‌شان می‌شود. فناوری‌های نوین ارتباطی از طریق دستاوردهایشان روی کیفیت روابط زوج‌ها تأثیرات منفی می‌گذارند و موجب سردی عاطفی میان زوج‌ها می‌شوند. این دستاوردها عبارتند از:

• آرمانزدگی

آرمانزدگی یکی از دستاوردهایی است که فناوری‌های نوین ارتباطی از طریق تولیداتشان به ناخودآگاه فرد القاء می‌کنند. آرمانزدگی به معنای نگاه افسانه‌ای و غیرواقع بینانه به زندگی است که می‌تواند به افزایش سطح انتظارات و سرخوردگی و یأس بینجامد (قلی زاده و دیگران، ۱۳۹۳). این پدیده دربردارنده رویاپردازی‌های ذهنی و غیر واقع بینانه پیش از ازدواج نیز می‌باشد که پس از ازدواج، هرکدام از زوج‌ها با مواجه شدن با واقعیت‌های موجود زندگی مشترک مشکلاتشان آغاز می‌شود.

مینا ۲۱ ساله می‌گوید: قبل از ازدواج تصورات بسیار زیبا و خوبی از زندگی داشتم اما بعد از ازدواج با خودم گفتم کاش اصلاً ازدواج نمی‌کردم. باران ۲۲ ساله می‌گوید: قبل از عقد گاهی که با روزهای تلخ زندگی مواجه می‌شدم و با خودم می‌گفتم کی میشود ازدواج کنم و این روزهای تلخ تمام شود. حتی یکبار به پدر و مادرم سر یک مشاجره‌ای گفتم کاش میشد زودتر ازدواج کنم و از این خانه راحت شوم. من ازدواج را مثل بهشت تصور می‌کردم اما نه همسر و نه زندگی پس از ازدواج هیچ‌کدام شبیه آن چیزهایی نبود که در فیلم‌ها و... دیده بودم و در تخیلات ذهنیم پرورش می‌دادم.

• مقایسه

یکی از دستاوردهای دیگر فناوری‌های ارتباطی برای ریشه کن کردن بنیان خانواده، وادار کردن ناخودآگاه مخاطب به مقایسه همسر و زندگی‌شان است. عمدتاً زندگی‌هایی که توسط این شبکه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها به مخاطب نشان داده می‌شود فاقد مشکل است و مخاطبان را وادار به مقایسه ذهنی زندگی خودشان با آن زندگی می‌کنند. مقایسه هم شامل مقایسه زندگی خود با زندگی ایده آل بقیه و هم شامل مقایسه همسر خود با همسران بقیه می‌باشد. مقایسه زندگی خود با زندگی ایده آل بقیه ناشی از چشم و هم چشمی و مقایسه همسر خود ناشی از عدم کنترل چشم است و هر دو معلول آرمان‌زدگی القاء شده توسط فناوری‌های نوین ارتباطی است.

زینب ۲۱ ساله می‌گوید: اوایل عقدم مدام همسر را با هم‌دانشگاهی‌ام که خواستگار قبلی‌ام بود مقایسه می‌کردم و در تمام جنبه‌ها او به نظرم بهتر از همسر بود و این باعث می‌شد نتوانم همسر را قبول کنم.

• روابط دوستی و جنسی خارج از خانواده (خیانت)

پیمان ازدواج در بر دارنده تعهداتی در قبال طرف مقابل است. همین تعهدات موجب

دلگرمی فرد به همسر و زندگی اش می‌شود. همانگونه عباسی (۱۳۹۲) می‌گوید: پابندی سد محکم در برابر بسیاری از انحرافات محسوب می‌شود. وقتی یک زن به جهت تعهد در برابر خانواده از ارتباط با مردان دیگر پرهیز می‌کند، انبوهی از انحرافات از زندگی این زن و دیگران حذف می‌شود. نتیجه‌ی این مصونیت هم استحکام هرچه بیشتر خانواده است. اما زنی که چنین تعهدی ندارد، علاوه بر این که بسیاری از اعمال زشت برای او عادی می‌شود، دیگر نمی‌تواند همسر خوبی برای شوهر، و مادر خوبی برای فرزندان خود باشد.

یکی از دلایل اصلی خیانت زن به شوهر، مانوس شدن با فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای به ویژه شبکه‌های فارسی زبان است (عباسی ولدی، ۱۳۹۲: ۳۹ و ۴۰). بدنبال قدم گذاشتن فناوری‌های نوین ارتباطی به عرصه زندگی‌ها و همچنین افزایش روابط آزاد با جنس مخالف و اختلاط ناسالم زن و مرد، پدیده خیانت به همسر افزایش یافت. خیانت پا گذاشتن روی تمام تعهدات دلگرم کننده‌ای است که به موجب عقد بین زوج‌ها به وجود آمده بود. براساس پژوهش گنجی بین اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی و تمایل به رابطه دوستی و جنسی خارج از خانواده رابطه وجود دارد. همچنین بین تمایل به رابطه دوستی و جنسی خارج از خانواده و از هم گسیختگی خانواده رابطه وجود دارد. خیانت از نظر پژوهشگر نتیجه چشم بدون کنترل، مقایسه‌های ذهنی فرد و آرمانزنگی اوست. زمانی که فردی با خیانت همسر خود مواجه می‌شود به حدی از زندگی و همسرش دلسرد می‌شود که ممکن است حتی به مرز تنفر هم برسد.

شهاب ۳۶ ساله به نقل از همسرش بعد از دیدن سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، به همسرش خیانت کرد.

رها ۲۰ ساله می‌گوید: آنقدر از خیانت همسرم به خودم شوکه شدم که تا سه ماه به شدت از او متنفر شدم. بعد از سه ماه تعهد دوباره سعی کردم مثل قبل عاشقش باشم اما نشد. دوستش دارم ولی نه مثل قبل و به هیچ‌کدام از حرف‌هایش اعتماد ندارم.

جدول ۲. تلخیص دریافت‌های الهام‌گرفته از روایت‌های زوجها از علل بروز جدایی عاطفی

دریافت‌های الهام‌گرفته از روایت افراد	مقوله‌های فرعی عنوان (علل احتمالی)	مقوله اصلی
<p>سپیده ۲۰ ساله می‌گوید: همسرم به تفاوت نظراتمان احترام نمی‌گذاشت و همیشه مرا با اجبار تابع نظرات خودش می‌کرد مثل نرفتن به دانشگاه یا فقط تحصیل در رشته‌ای که او دوست دارد. بارها در مقابل خود و خانواده‌ام (مخصوصاً پدرم) ایستاد و احترامی برایمان قایل نبود.</p> <p>اکرم ۴۸ ساله می‌گوید: همسرم علی‌رغم اینکه بیکار است و تمام بار اقتصادی خانواده روی دوش من است باین حال همیشه توقع دارد در کنار کار کردن برای امرار معاش، به تمام امور منزل نهایت رسیدگی را داشته باشم. او واقعا بی‌خیال است و مرا درک نمی‌کند.</p>	<p>عدم احترام و درک مقابل</p>	<p>زمینه‌های ناشی از چالش‌های روانی و اخلاقی</p>
<p>سمیه ۲۵ ساله می‌گوید: همسرم چندین بار کارهایش را از من مخفی کرد و با من صادق نبود و وقتی پنهان کاری‌هایش مشخص می‌شد بجای شرمندگی تجیه می‌کرد و این مرا به شد بی‌اعتماد و دلزده کرده است.</p> <p>محمد ۳۷ ساله می‌گوید: من خیلی از کارهایم حتی گاهی خریدهایم را از همسرم مخفی می‌کنم و به او نمی‌گویم چون از واکنش غیر منطقی‌اش می‌ترسم.</p>	<p>عدم صداقت و اعتماد</p>	
<p>زینب ۲۱ ساله می‌گوید: دعوا بلای خانمان سوزه و سرمنشاء همه مشکلاته.</p> <p>باران ۲۲ ساله می‌گوید: تعارض‌ها و کشمکش‌های میان زوجها مانند کوبیدن میخی بردیوار است ممکن است حل شود اما آثارش در دل و ذهن زوجها خصوصاً زن ماندگار است.</p> <p>فرشته ۲۳ ساله که می‌گوید: شوهرم در کوچکترین دعوایها آنقدر مرا می‌زد و بعد در خانه حبس می‌کرد گاهی حتی نان هم برای خوردن نداشتم. یکبار بعد از سه هفته حبس از خانه فرار کردم و به خانه پدرم پناه آوردم و بعد از آن جدا شدم.</p>	<p>مشاجره</p>	
<p>فاطمه ۲۱ ساله می‌گوید: برخی زوجها هم فکر می‌کنند عدم ابراز علاقه حیاست در صورتی که غلط‌ترین چیز در زندگی همین است. همین است که نسل ما محبت کردن بلد نیست چون محبت پدر به مادر و بالعکس را ندیده. من به شخصه محبت کردن رو در رو را بلد نیستم.</p> <p>باران ۲۲ ساله می‌گوید: زن نیاز دارد مدام بشنود که دوست داشتنی است اما اکثریت مردان فکر می‌کنند اگر یکبار دوست داشتن را ابراز کنند برای تمام زندگیشان کافیست.</p>	<p>عدم ابراز (صحیح) علاقه</p>	

دریافت‌های الهام‌گرفته از روایت افراد	مقوله‌های فرعی عنوان (علل احتمالی)	مقوله اصلی
<p>باران ۲۲ ساله می‌گوید: هیچوقت نظر خودم را بخاطر فداکاری‌هایم بیان نمی‌کردم و همیشه با همسرم هم نظر می‌شدم. این هم نظر شدن آنقدر رفته رفته احساسات بدی در من بجای گذاشت که من دیگر نتوانستم به او علاقه مند شوم.</p> <p>فاطمه ۲۱ ساله: تمام ناراحتی‌ها را در خودم می‌ریختم چون همسرم اهل توجیه بود و من هم شخصی درون‌گرا. من دوست داشتم او خودش بفهمد مثلاً ناراحت‌م اما او نه تنها نمی‌فهمید، بلکه اشتباهش را توجیه می‌کرد. این کارهایش مرا از او دلزده کرد.</p>	<p>عدم بیان شفاف خواسته‌ها و احساسات منفی (ناراحتی‌ها)</p>	
<p>مینا ۲۱ ساله می‌گوید: از کل مقوله ازدواج با مسأله روابط جنسی مشکل زیادی دارم و اصولاً آدم سرد مزاجی هستم و این روابط مرا تا مرز تنفر از همسرم کشانده است.</p> <p>محمد ۳۷ ساله می‌گوید: همسرم بدلیل سردمزاجی و... اصلاً در روابط با من همکاری نمی‌کند و این مرا بشدت نسبت به او بی‌رغبت کرده است. برخی از زوج‌های دیگر در زمان و شرایطی نامناسب اقدام به روابط جنسی می‌کنند که این خود به روابط جنسی بعدی و روابط عاطفی زوج‌ها لطمه زیادی می‌زند.</p> <p>باران ۲۲ ساله می‌گوید: دقیقاً دو روز بعد از محرم شدن مجبور به این رابطه اجباری با همسرم شدم. مشاورم می‌گفت اجباری و زودرس بودن این روابط علت اصلی تنفر من از همسرم بوده است.</p>	<p>اختلالات در روابط جنسی</p>	
<p>محمد ۳۷ ساله: به علت مقروض بودنم روزانه حدود ۱۱ ساعت مشغول به کار هستم و وقتی به خانه می‌آیم آنقدر خسته‌ام که حوصله رسیدگی به اوضاع و احوال زن و بچه‌ام را ندارم.</p> <p>باران ۲۲ ساله: من و همسرم هردو دانشجوی بودیم. آنقدر فشار درس‌هایم در سال اول ازدواج زیاد بود که اصلاً حوصله همسرم را نداشتم به همین دلیل مرتباً به دنبال فاصله گرفتن از او بودم که این مورد هم در عدم علاقه من به همسرم بی‌تأثیر نبود.</p> <p>مینا ۲۱ ساله: شوهرم مدام سرش توی کامپیوتر است و اصلاً توجهی به من ندارد وقتی علت را می‌پرسم می‌گوید می‌خواهم پولدار شوم.</p>	<p>فرسودگی شغلی</p>	<p>زمینه‌های ناشی از چالش‌های اقتصادی</p>

دریافت‌های الهام‌گرفته از روایت افراد	مقوله‌های فرعی عنوان (علل احتمالی)	مقوله اصلی
<p>مینا ۲۱ ساله می‌گوید: قبل از ازدواج تصورات بسیار زیبا و خوبی از زندگی داشتم اما بعد از ازدواج با خودم گفتم کاش اصلا ازدواج نمی‌کردم. باران ۲۲ ساله می‌گوید: قبل از عقد گاهی که با روزهای تلخ زندگی مواجه می‌شدم و با خودم می‌گفتم کی می‌شود ازدواج کنم و این روزهای تلخ تمام شود. حتی یکبار به پدر و مادرم سرریک مشاجره‌ای گفتم کاش می‌شد زودتر ازدواج کنم و از این خانه راحت شوم. من ازدواج را مثل بهشت تصور می‌کردم اما نه همسرم و نه زندگی پس از ازدواج هیچ‌کدام شبیه آن چیزهایی نبود که در فیلم‌ها و... دیده بودم و در تخیلات ذهنی‌ام پرورش می‌دادم.</p>	آرمان‌زدگی	چالش‌های فناوری ارتباطات زمینه‌های ناشی از
<p>زینب ۲۱ ساله می‌گوید: اوایل عقدم مدام همسرم را با هم دانشگاهی‌ام که خواستگار قبلی‌ام بود مقایسه می‌کردم و در تمام جنبه‌ها او به نظرم بهتر از همسرم بود و این باعث می‌شد نتوانم همسرم را قبول کنم.</p>	مقایسه	
<p>شهاب ۳۶ ساله به نقل از همسرش بعد از دیدن سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، به همسرش خیانت کرد. رها ۲۰ ساله می‌گوید: آنقدر از خیانت همسرم به خودم شوکه شدم که تا سه ماه به شدت از او متنفر شدم. بعد از سه ماه تعهد دوباره سعی کردم مثل قبل عاشقش باشم اما نشد. دوستش دارم ولی نه مثل قبل و به هیچ‌کدام از حرف‌هایش اعتماد ندارم.</p>	روابط دوستی و جنسی خارج از خانواده	

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است. اهمیت لزوم توجه به این نهاد و آنچه که بنیان این نهاد اجتماعی را تضعیف می‌کند بر همه آشکار است. از عوامل اساسی تضعیف بنیان خانواده طلاق عاطفی است که در حال حاضر مهم‌ترین علت طلاق رسمی نیز می‌باشد. بنابراین شناخت آنچه که زوجها را به مرحله طلاق عاطفی می‌رساند اهمیت زیادی دارد. بدلیل شیوع طلاق عاطفی در جامعه امروزی، بررسی این پدیده از ابعاد مختلف، درخور اهمیت است. مطالعه پروین، داووی و محمدی (۱۳۹۱)

نشان می‌دهد که حدود ۶۵ درصد از خانواده‌های تهرانی، بر این باورند که مبتلا به طلاق عاطفی شده‌اند و این امر، ضرورت دوچندان بررسی این پدیده را نمایان می‌سازد. پژوهش حاضر با درک این اهمیت و با استفاده از روش پدیدارشناسی و مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با ۲۰ نفر از افراد متأهل یا دارای تجربه تأهل، به تحلیل تجربه زیسته و ادراک ایشان پراخته و عوامل موثر در ایجاد یا زمینه‌سازی بروز سردی عاطفی بین زوجها را بازنمایی نموده است. گرچه این علل بدست‌آمده از این پژوهش، قابلیت تعمیم را ندارد، اما یافته‌ها به علت استفاده از روش عمق‌نگر کیفی، اصیل و قابل توجه است.

تحلیل ادراک زوجها مورد مطالعه، نشان داد که «اختلالات در روابط جنسی»، از عوامل اصلی و زمینه‌ساز بروز جدایی عاطفی، بوده است. این یافته با مطالعه عظیمی رستا و عابدزاده نوبریان (۱۳۹۲) و به ویژه پژوهش لیندزی، کلول، فرابوت و مک‌کینون لویس^۱ (۲۰۰۶)، به نقل از کفاشی و سرآبادانی، (۱۳۹۳) همسواست. به زعم لیندزی، کلول، فرابوت و مک‌کینون لویس، تعارضات زناشویی به مراتب بالاتری در بین زوجها مستعد به طلاق عاطفی و خانواده‌های طلاق وجود دارد. در نقطه مقابل، مطالعه پروین، داووی و محمدی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین رضایت جنسی زوجها از همدیگر با کاهش احتمال بروز طلاق عاطفی وجود ندارد. به نظر می‌رسد، سرمایه اجتماعی درون خانواده می‌تواند نقش عاملی برای جلوگیری از اثرگذاری سایر عوامل در بروز طلاق عاطفی داشته باشد. این فرضیه با نتیجه مطالعه پروین، داووی و محمدی (۱۳۹۱) همسواست. پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌ای به روش نظریه برخاسته از داده‌ها (داده بنیاد)، چگونگی اثرگذاری و ایفای نقش این عامل بر کاهش احتمال شکل‌گیری طلاق عاطفی بین زوجها، بازنمایی گردد.

همچنین زمینه‌های ناشی از چالش‌های اقتصادی نیز از عوامل مهم در شکل‌گیری جدایی عاطفی بین زوجها گزارش شد. این یافته با نتیجه مطالعات کفاشی و سرآبادانی

1. Lindsey, E. W., Colwell, M. G., Frabutt, G. M., & Mackinnon-Lewis, C.

(۱۳۹۳) و پروین، داووی و محمدی (۱۳۹۱) همسواست. به نظر می‌رسد، اشتغال زنان، که از آن به عنوان یکی از عوامل ارتقای استقلال اقتصادی زنان، یاد می‌شود، به رغم اثرات مثبتی که بر حضور اجتماعی زنان در جامعه دارد، اگر هدف تلقی شده یا به گونه‌ای افراطی زمینه فرسودگی شغلی را فراهم نماید و یا باعث فاصله گرفتن زنان از فضای خانواده و توجه بر نیازهای خانواده و به ویژه همسران شود، می‌تواند زمینه‌ساز تبعاتی نظیر طلاق عاطفی گردد.

نتیجه مطالعه استونز (۱۳۸۸، نقل از کفاشی و سرآبادانی، ۱۳۹۳) و پروین، داووی و محمدی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد، دینداری خانواده یکی از عوامل کاهنده احتمال شکل‌گیری طلاق عاطفی در خانواده است. به این معنا که دینداری می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای زوج‌ها در حفظ و بقای خانواده و الگوهای فرهنگی مناسب فراهم سازد. به نظری فرایند توسعه صنعتی به بروز و انشقاق در خانواده منجر شده و علت این تحول، نخست جدا ساختن خانواده از شبکه خویشاوندی و سپس تقلیل گروه خانگی به خانواده تک‌هسته‌ای کوچک بوده است. در نتیجه خانواده تمام عملکردهای تولیدی، سیاسی و دینی خود را از دست داده و تنها به واحد سکونت و مصرف مبدل شده است پیشنهاد می‌شود در سطحی وسیع و مبتنی بر مطالعه‌ای کمی، تأثیر این عامل به همراه سایر عوامل اشاره شده در این مطالعه، مورد بررسی قرار گرفته و برآورد شود.

به طور کلی، نتایج به دست آمده حاکی از عواملی از جمله؛ عدم احترام و درک متقابل، عدم صداقت و اعتماد، مشاجرات، عدم ابراز (صحیح) علاقه، عدم بیان شفاف خواسته‌ها و احساسات منفی (ناراحتی‌ها)، اختلالات در روابط جنسی، فرسودگی شغلی، عدم امنیت اقتصادی، افزایش انتظارات و توقعات مادی، فناوری‌های نوین ارتباطی و دستاوردهای آن، آرم‌اندگی، مقایسه و روابط دوستی و جنسی خارج از خانواده (خیانت) می‌باشند. برای تمامی این عوامل مذکور راه‌های پیشگیری و درمان وجود دارد. همان‌گونه که سؤال‌های موجود در مصاحبه‌ها راه‌هایی برای پیشگیری ذکر کرده‌اند از جمله؛ تفریح و سفر زوج‌ها با هم، بیان شفاف خواسته‌ها و احساسات، درک

عواطف طرف مقابل، شناخت کامل پیش از ازدواج و چشم پوشی از مشکلات پس از ازدواج، تلاش برای رضایت مندی طرف مقابل، هدیه دادن و... حاکی از راه‌هایی برای درمان این مشکل در صورت وقوع نیز هستند که مهم‌ترین راه درمان منطقی آن، مراجعه به مشاور متخصص و متعهد، گفتگو و طرح مسأله و سپس بدست آوردن راه مناسب درمان این مشکل است. از آنجا که همیشه و در همه جا پیشگیری راه حلی مناسب‌تر از درمان است، ضرورت دارد برای پیشگیری از وقوع این مشکل در روابط زوج‌ها، سیاست‌گذاری منسجم و با ضمانت اجرایی برای آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان در دوران تحصیل، برگزاری کارگاه‌های رایگان ارتقای مهارت‌های همسر داری و خانواده سبزر در سرای محله‌ها، ضرورت برخورداری از مجوز صلاحیت‌های روان‌شناختی قبل از ازدواج به عنوان یکی از مهمترین مدارک جاری شدن صیغه عقد دائم صورت گیرد. تمامی این عوامل تحت شرایطی و با کمک مسئولین امر، قابل پیشگیری می‌باشند. از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری، آگاه نمودن زوج‌ها و خانواده‌ها از طریق رسانه‌ها، درباره خطر پدیده طلاق عاطفی و علل آن می‌باشد. طبق گفته (ایمانی، ۱۳۹۱)، عشق بین زن و شوهر، مانند نهالی است که اگر از آن مراقبت نشود، خشک خواهد شد. زمانی که افراد از خطرو علل آن خطر آگاه باشند راه‌ها و تمهیداتی برای مقاوم کردن و واکسینه کردن خودشان می‌اندیشند. شاید از طریق این پیشگیری، بتوانیم شاهد کاهش میزان آمار طلاق رسمی و عاطفی در کشورمان باشیم. هرچند مصاحبه کیفی با نمونه محدودی از سوژه‌ها، نمی‌تواند نتایج قابل تعمیمی را به لحاظ آماری در برداشته باشد، اما می‌تواند لایه‌های پنهان و عموماً مغفول مانده در این حوزه را بیشتر آشکار نماید. نتایج پژوهش حاضر، رشته‌ای از مشکلات برخی از زوج‌ها را آشکار نمود که نیازمند بازمدیریت و ترمیم سریع و هوشمندانه توسط نهادهای اثرگذار است. در پژوهش حاضر سعی گردید با توجه به حساسیت‌های موقعیتی و ماهیتی سلامت خانواده‌ها و به ویژه زندگی زوج‌های جوان، و فارغ از هرگونه قضاوت ذهنی و ضمن بهره‌گیری از تجربه زیسته آنها، بر شناسایی و معرفی

علل بروز طلاق عاطفی تمرکز گردد. به دیگر سخن تلاش گردید تا ضمن کسب شناخت عمیق، به منظور ارتقای وضعیت موجود و کاهش چالش‌ها و تشدید آسیب‌های طلاق عاطفی، راهکارهایی پیشنهاد گردد. توجه به راهکارها و پیشنهادهای زیر می‌تواند در بهبود شرایط موجود و جلوگیری از تشدید و تعمیق آسیب‌های برشمرده شده، رهگشا باشد.

۱. با توجه به عواملی مانند اختلالات جنسی، عدم شکل‌گیری صحیح توانایی ابراز عواطف و احساسات، ضرورت دارد تا متولیان امر نسبت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌هایی برای افزایش سطح آگاهی زوجها و بهبود مهارت‌های ارتباطی زوجها داشته باشد.

۲. پیشنهاد می‌شود متولیان امر، برای از بین بردن برخی علل موثر در طلاق عاطفی مانند عدم امنیت اقتصادی، تمهیداتی اندیشیده و در پی فرهنگ‌سازی به موقع برای منطقی‌سازی انتظارات و توقعات مادی و... زوجها باشند.

۳. با توجه به اهمیت تقویت رویکرد پیشگیری و درمان جدایی عاطفی زوجها برای داشتن جامعه‌ای بالنده و دوری از تبعات گسترده طلاق عاطفی، و هزینه بسیار گزاف جلسات مشاوره، پیشنهاد می‌شود هر چه سریعتر، طرحی با موضوع مشاوره خانواده با یارانه دولتی طراحی و اجرایی شود.

۴. با توجه به کارایی مشاوره ازدواج در آموزش دانش‌آموزان و احتمال بروز مشکلات مرتبط با ازدواج نظیر طلاق عاطفی، پیشنهاد می‌شود، نهادهای متولی زمینه مشارکت گسترده مشاوران در سرای محلات و به ویژه در مدارس را فراهم نموده تا از رهگذار بهره‌مندی از این خدمات تخصصی، زمینه مقابله هوشمندانه و ریشه‌ای با این جریان رو به افزایش طلاق عاطفی در بین زوجها جوان، جلوگیری شود.

منابع

- استیل، لیز؛ وکید، وارن (۲۰۰۱). جامعه‌شناسی مهارتی خانواده. (فریبا سیدان و افسانه کمالی، مترجم،

- ۱۳۸۸). تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س).
- اقلیما، م؛ وگلی‌زاده، ن. (۱۳۸۴). رابطه فرسودگی شغلی کارکنان بانک ملی آذربایجان شرقی با کارکردهای خانواده، نشریه مددکاری اجتماعی، ۵(۲): ۵۱-۶۰.
- ایمانی، م. (۱۳۹۱). علل بروز و ظهور طلاق عاطفی، پیامدها و شیوه‌های برخورد با آنها، پیوند، ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵: ۲۱-۲۷.
- آزادی، ش؛ سهامی، س؛ قهرمانی، ز؛ وقلی‌پور، گ. (۱۳۸۹)، ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران، فصلنامه زن و بهداشت، ۳: ۱۰۱-۱۱۷.
- باستانی، س؛ گلزاری، م؛ وروشنی، چ. (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، بررسی مسایل اجتماعی ایران، ۳: ۱-۲۰.
- باستانی، س؛ گلزاری، م؛ وروشنی، چ. (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن، خانواده پژوهی، ۷(۲۶): ۲۴۱-۲۵۷.
- جهانی، س. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم. دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، ۳(۱): ۸۱-۱۰۰.
- حسین‌زاده، ع. (۱۳۸۹)، احترام به یکدیگر و نقش آن در زندگی مشترک، معرفت اخلاقی، ۲(۱): ۱۴۷-۱۶۷.
- حیدری، م؛ مظاهری، ع؛ م؛ وپور اعتماد، ح. (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر، فصلنامه خانواده پژوهی، ۱(۲): ۱۲۱-۱۳۰.
- پروین، س؛ داوودی، م؛ و محمدی، ف. (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناختی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). ۱۴(۵۶): ۱۱۹-۱۵۳.
- کفاشی، م؛ و سرآبادانی، س. (۱۳۹۳). عوامل اقتصادی. اجتماعی موثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه دار و شاغل شهر قم. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. ۳(۵): ۱۲۵-۱۵۳.
- دلاور، ع. (۱۳۸۸). روش‌شناسی کیفی، فصلنامه راهبرد، ۱۹(۵۴): ۳۰۷-۳۲۹.
- زحمتکش، ن؛ حاج بابایی، ح؛ و شریفی، ح. پ. (۱۳۸۲). رابطه شیوه‌های ابراز محبت به همسر با ویژگی‌های شخصی و دموگرافیک خانواده، فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴ و ۱۵: ۱۰۹-۱۱۶.
- زمانی، س؛ احدی، ح؛ و عسگری، پ. (۱۳۹۳). رابطه ی طلاق عاطفی با تصویر بدنی و کمال‌گرایی، مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س)، ۱۰(۴): ۱۱۹-۱۳۶.
- سبحانی‌نیا، م. (۱۳۸۸). صداقت، معارف اسلامی، ۲۸(۷۸): ۱-۱۵.
- سیف‌زاده، ع؛ و قنبری‌برزیان، ع. (۱۳۹۲). بررسی نقش خشونت بر میزان طلاق در میان زنان، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، ۴(۳): ۱۲۵-۱۴۹.
- صادقی‌فسایی، س؛ و ایثاری، م. (۱۳۹۱). تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی، زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۳): ۵-۳۰.
- صالحی، ک؛ بازرگان، ع؛ صادقی، ن؛ و شکوهی‌یکتا، م. (۱۳۹۴). یازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان

- از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵ (۹): ۵۹-۹۹.
- عباسی‌ولدی، م. (۱۳۹۲). بشقاب‌های سفره پشت بام مان، قم: جامعه الزهرا (علیها السلام).
 - عظیمی رستا، محمود؛ عابدزاده نوبریان، مهرناز (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*. ۳ (۱۰): ۳۱-۴۶.
 - قلی‌زاده، آ؛ بانکی پور فرد؛ ا؛ و مسعودی‌نیا، ز. (۱۳۹۳). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶ (۱): ۳۹-۶۴.
 - گنجی، م؛ نیازی، م؛ و ملک پور شهرکی، ع. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت ماهواره) بر از هم گسیختگی خانواده، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۴ (۱): ۱۶۷-۱۹۴.
 - محبی، م. ع. (۱۳۹۰). خانواده و شاخص‌های تنظیم روابط جنسی، معرفت، ۲۰ (۱۷۱): ۵۷-۷۳.
 - نوحی، س؛ آذر، م؛ شفیع‌کنندجانی، ع؛ و تاجیک، ع. (۱۳۸۶). آگاهی و نگرش زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره ازدواج در مورد روابط جنسی صحیح، مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)، ۱۳ (۳): ۷۷-۸۳.
 - یزدانی، ع؛ حقیقتیان، م؛ و کشاورز، ح. (۱۳۹۱). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق (مطالعه موردی: شهرکرد)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۲ (۶): ۱۵۹-۱۸۵.